

بدیهی است، «علیرضا رزم حسینی» این توان و مجال را نخواهد داشت که همه موانع را از پیش پای توسعه استان بردارد و همه کارهای نکرده پیشینیان را به سرانجام برساند و البته چنین انتظاری هم نمی رود. آنچه اما از همه مدیران انتظار می رود و از مدیران دولت موسوم به تدبیر و امید، بیشتر، تدبیر افزونتر است چه اینکه اگر تنها چند کار اساسی در استان صورت گیرد و چند مانع هم از موانع پیش روی توسعه برداشته شود، کرمانی ها آنقدر قدرشناس هستند که یک عمر چنین والی مدبری را به دیده احترام بنگرند و قدر بدانند چنانکه در مورد سید حسین مرعشی و محمد علی کریمی به رغم سالیان سپری شده از دوره مسئولیت شان، مردمی که همه چیز را با متر و معیار سیاست اندازه نمی کنند، چنین هستند.

جان کلام اینکه، جایی و زمانی و نه در شعار، که در عمل باید به نگاهی عمیق تر از نیاز امروز و فردای جامعه خود برسیم و از تجربیات، کامیابی ها و ناکامی های گذشته درس بگیریم که هر دوره ای اقتضائات زمانی و ماموریت های توسعه ای خاص خود را دارد. نقد آشکارم به این است که مدیر ارشد اجرایی استان به جای راهبری و مدیریت کلان کرمان، بام تا شام و یک تنه، به قلب مسائل و مشکلات استان بزند، بی آنکه حتی از بدنه کارشناسی دولت در استان، بهره لازم را ببرد و بیش از اینکه نماینده دولتی «توسعه گرا» به چشم آید، دولتی «خیر خواه» را نمایندگی کند که سیاست ها و عملکردش صرفا بر اساس خیرخواهی است که دولت پیشین داعیه آن را بسیار بیشتر داشت و روشن است که «دولت خیر خواه چه در ابعاد محلی یا ملی، لزوما توسعه گرا نخواهد بود».

قاعدتا این مساله که برنامه توسعه استان یک چیز بگوید و یک راه پیش روی استان قرار داده باشد و جناب استاندار از تمام ظرفیت و روابط فردی خود برای جذب سرمایه یا اجرای طرح هایی بهره ببرد که در قالب این برنامه دیده نشده را - بی آنکه بخوایم از قدر و ارزش تلاش های صادقانه علیرضا رزم حسینی بکاهیم- جز در قالب سیاستهای خیرخواهانه و نه توسعه گرایانه، نمی توان تعریف کرد، با این یادآوری مجدد که «دولت خیر خواه، لزوما توسعه گرا نیست اما عکس آن صادق است».

۴ «اقتصاد کرمان» رسالت دیده بانی توسعه اقتصادی استان را برای خود تعریف کرده و توسعه اقتصادی به تغییرات کیفی و بنیادین در ساختار اقتصاد یک جامعه، ناظر است و افزایش

سهام صنعت و کاهش سهم کشاورزی در تولید، افزایش شمار شهرنشینان و کاهش جمعیت روستایی، افزایش ثروت و رفاه مردم و افزایش اشتغال از جمله تغییرات بنیادینی هستند که با توسعه اقتصادی محقق می شوند.

همچنین، شاخص های سه گانه درآمد سرانه، درآمد پایدار و شاخص توسعه انسانی، مواردی از شاخص های توسعه اقتصادی یا سطح توسعه یافتگی هستند و به این شاخص ها هر کدام از اقتصاددانان مواردی را افزوده اند چنانکه میردال سوئدی، مواردی را از جمله خردگرایی، توسعه دانش و اجرای موثر برنامه ریزی توسعه، افزایش بهره وری، ارتقا سطح زندگی، برابری اقتصادی و اجتماعی، بهبود نهادها و رفتارها و عادات و رسوم و انضباط اجتماعی را به این شاخص ها تحت عنوان کلی «آرمان های نو شدن» افزوده است. با این مقدمه و متناسب با آنچه در استان می گذرد، می خواهم ضرورت «نوسازی اقتصادی» کرمان را هم یادآور شوم و برای هماهنگ شدن اقتصاد کرمان با آهنگ رشد و توسعه اقتصاد ملی بر آن تاکید نمایم. نوسازی اقتصادی برای تحلیل مجموعه پیچیده ای از تحولاتی که در همه زمینه ها برای انتقال از جامعه سنتی و کشاورزی به جامعه صنعتی رخ می دهد به کار برده می شود

و بر اساس آموزه های علم اقتصاد، این اصطلاح، گرچه به صورت معادلی برای توسعه به کار می رود، اما دارای مفهوم خاص خود می باشد. در واقع در نوسازی بیشتر بر "فرد" تکیه می شود، در حالیکه در توسعه بر جامعه و نوسازی بیشتر با عوامل فرهنگی و روانی سر و کار دارد تا عوامل اقتصادی - سیاسی؛ مسئله ای که در تناسب با شرایط فکری و فرهنگی محیط کرمان می تواند مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس، نوسازی مقدمه توسعه و شرط لازم است ولی شرط کافی نیست و در جایی مطرح میشود که سخن از تغییرات مؤثر در رفتار فردی و اجتماعی و یا اقتصاد و سیاست جامعه باشد، هر چند امروزه نوسازی معنای رشد اقتصادی را هم دارد که شامل خصوصی سازی، کوچک شدن سهم صنعت و دولت، بازسازی بازار کار و نظام آموزشی است. نوسازی را روندی مبتنی بر بهره برداری خردمندانه از منابع و با هدف ایجاد جامعه ای نو هم تعریف کرده اند که مشخصات این جامعه نو مواردی همچون جامعه ای شهرنشین، باسواد، با تحرک اجتماعی، رشد اقتصادی و وابستگی اجتماعی گسترده است.

توسعه، بهبود رشد و از همه مهم تر گسترش همه ی شرایط و جنبه های مادی و معنوی زندگی اجتماعی، گسترش ظرفیت نظام اجتماعی برای برآوردن احتیاجات محسوس یک جامعه که امنیت ملی، آزادی فردی، مشارکت سیاسی، برابری اجتماعی، رشد اقتصادی، صلح و موازنه محیط زیست، مجموعه ای از این احتیاجات است اما «نوسازی»، ایجاد تغییراتی در تلقیاتی فردی، رفتار اجتماعی، اقتصاد و سیاست هست و هر جا سخن از تغییراتی به میان آید که در رفتار فردی و اجتماعی و یا اقتصاد و سیاست جامعه

مؤثر باشد، نوسازی است. با این نگاه و در مسیر دستیابی کرمان به توسعه، به نظر می آید نوسازی اقتصاد و جامعه کرمانی می تواند هموار کننده راهی باشد که این استان تا رسیدن به توسعه پایدار و متوازن در پیش دارد.

نقد آشکارم به این است که مدیر ارشد اجرایی استان، به جای راهبری و مدیریت کلان کرمان، بام تا شام و یک تنه، به قلب مسائل و مشکلات استان بزند، بی آنکه حتی از بدنه کارشناسی دولت در استان، بهره لازم را ببرد و بیش از اینکه نماینده دولتی «توسعه گرا» به چشم آید، دولتی «خیر خواه» را نمایندگی کند

۵ الطاف همه صاحب نظران دانشگاهی، مدیران و فعالان اقتصادی، هیات ریسه و هیات نمایندگان پارلمان بخش خصوصی کرمان و مدیران اجرایی استان که متعهدانه ما را در مسیر دیده بانی توسعه اقتصادی استان کرمان همراهی کردند و از همه مخاطبان فهیم و ارجمندی که توجه و دقت نظر آنها موجب دلگرمی ما در این راه بود، را قدر دانم و سپاسگذار حمایت و همراهی شورای سیاستگذاری «اقتصاد کرمان» و همه همکاران خوب و همراه آقایان محمدرضا دهقانپور (دبیر شورای سیاست گذاری اقتصاد کرمان)، وحید قرایی، عماد محسنی، مهدی نعمت الهی، احسان امین زاده، محسن منوچهری، محمدهادی جلالپور و مسعود باژیان و خانم ها مرجان ضیایی، راضیه ابوالحسنی، اعظم حاکمی، بهاره محسنی و طاهره مهرباب پناه هستم که در همه دستاوردهای ارزنده «اقتصاد کرمان» در همین مجال چندماهه، سهیم هستند.

سال و حالتان، بهترین باد.

*عنوان یادداشت را گوناگون میردال، اقتصاددان سوئدی برای شاخص های ارزیابی توسعه از دیدگاه خود برگزیده است.

*** مدیرمسئول «اقتصاد کرمان»**

پی نوشت:

پیش شرط های توسعه و نوسازی/حمید خوش آیند
دولت و توسعه اقتصادی/دکتر وحید محمودی
مفاهیم نوین جامعه شناسی/احسین شیران
نگاهی به پیشگامان گفت و گو/سید ابوالفضل جعفر نژاد